

# IRANSCHÄHR

<p>Iranschähr Revue littéraire et scientifique bimensuelle</p> <p>Redacteur et Directeur H. Kazemzadeh</p> <p>Telephone Stefan 3908</p>		<p>نگارنده و مدیر حسین کازم زاده - ایرانشهر</p> <p>این مجله ماهی یکبار در ۳۲ صفحه نشر خواهد شد</p> <p>قیمت این شماره در آلمان نیم شیلینگ و در ایران چهارقران است .</p>
<p>شماره ۷    برلین — غرة جنادی الاولی ۱۳۴۱    سال اول</p>		
<p>1ère année * Berlin, 20 Decembre 1922 * No.7</p>		

با این شماره ششماهه مجله تمام میشود چون برای جبران شماره اول و دوم که ۱۶ صفحه بوده در نظر داریم شماره ۱۲ را در ۶۴ صفحه نشر بکنیم لذا شماره هفتم را نیز جزو ششماهه می‌شماریم برای اشخاصیکه وجه شما را پرداخته اند از شماره هشت بعد ارسال نخواهد شد مگر وقتیکه وجه شما دوم را مستقیماً یا توسط وکلا بپردازند .

## فرستادن محصلین بفرنگ

باکمال خوشوقتی دیده میشود که درین اواخر روز بروز بر شمار محصلین ایرانی در آلمان افزوده میشود چنانکه ما در شماره سیم مجله عدد محصلین ایرانی را در آلمان هفتاد نفر نوشته بودیم و حالا بیش از صدویست نفر است . این خود مینمایاند که ملت ایران اگرهنما و مشوق داشته باشد از هیچ گونه فداکاری بخصوص در تربیت اولاد خود دریغ ندارد . چیزیکه بیشتر ما را خوشوقت میسازد این است که می بینیم چند نفر هم که در ایران فارغ التحصیل و صاحب مسلک و مقام بوده اند برای تکمیل تحصیلات و تجربیات خود دست از شغل و مسلک خود کشیده به آلمان آمده اند و مانند یک محصل جدی مشغول تحصیل شده اند . ما این جوانان با همت و با متانت را شایسته هر گونه تریک و ستایش میدانیم و احساسات قلبی خودمانرا همراه ایشان میسازیم . از طرف دیگر هم می‌شنویم که دولت ایران نیز در صدد است چند نفر محصل بحساب خود به آلمان بفرستد .

مخض اینکه این زحمات و فداکاریهای دولت و ملت بی ثمر نماند و نتیجه های مطلوب ازین اقدام ها گرفته شود پاره ای نکات مهم را درینباب ذیلا یاد آوری میکنیم :

### ۱ - انتخاب محصلین

البتّه افراد ملت در انتخاب هر یک از فرزندان خود برای تحصیل در فرنگ آزادند چونکه مخارج تحصیل را خودشان بعهده میگیرند و نیک و بد تحصیل نیز بیشتر بخودشان بر میگردد. ولی برای دولت که از محصول رنجدست ملت این مخارج را میپردازد اینطور نیست. دولت درین اقدام مسؤلیت بزرگی را بعهده میگیرد و باید بهر گونه و سایل که برای حسن استعمال این وجوه لازمست متمسک بشود. اسراف و اتلاف دسترنج ملت یکنوع خیانت و مایه بدنامی دولت میشود.

اگر هیئت دولت در انتخاب این شاگردان مانند تعیین مأمورین خود پاره ای ملاحظات شخصی و جیبی را در نظر گرفته در زرفشار تهدید و یا به امید تقویت و حمایت و طرفداری، جوانان نا اهل و نا قابل را بفرنگ بفرستد خیانت بزرگی را ارتکاب کرده است دولت باید در انتخاب این محصلین کمان آزادی را داشته باشد و جز صرفه و صلاح ملت هیچ ملاحظه را منظور ندارد. مثال ذیل درینباب برای هیئت دولت ایران رهمای خوبی میتواند بشود :

در چند سال پیش در دار الفنون شهر لپزیگ در آلمان روزی یکی از محصلین ژاپونی از معلم خود پروفیسور و. اوستوالد بنام وزارت معارف ژاپون سؤال کرد که آیا بچه وسیله میتوان قبل از وقت فهمید که فلان بچه پس از اتمام تحصیل مرد کار آمد و فایده بخش خواهد شد. پروفیسور مذکور چنین مینویسد: « ابتدا این سؤال خیلی غریب

بنظر من آمد. پیش از دادن جواب از جوان ژاپونی پرسیدم که محرک این سؤال برای وزارت معارف ژاپون چه بوده است. جوان ژاپونی گفت که حکومت ما مصمم شده است مبلغ هنگفتی برای تربیت جوانان بی بضاعت طبقه پائین ملت صرف بکند و میخواهد پیش از وقت بداند که کدام یک از آنان خوب از آب در آمده و با جدیت تحصیل کرده و در نتیجه یک مردکار آمد و فایده بخش برای دولت خواهد شد تا زحمات و مخارج هنگفت دولت بهدر نرود.

« این سؤال مرا ب فکر انداخت. من اقرار کردم که درین خصوص جواب قطعی و فوری نمیتوانم بدهم. ولی این سؤال روز بروز مرا بیشتر متفکر ساخت و بتدقیق این موضوع و ادارم کرد و خود بخود گفتم آیا این مسئله را در شاگردان جدید خود میتوانم تجربه بکنم یا نه. از آروز بتدقیق این موضوع پرداختم و تا یکدرجه هم نتایج مثبت بدست آوردم. »

پروفسور مذکور نتیجه تدقیقات خود را که بیشتر راجع ب فلسفه اخلاق و مسائل تعلیم و تربیت است در کتاب خود بنام « مردان بزرگی » (۱) شرح و بسط داده ولی این اوراق گنجایش ترجمه آنها را ندارد. در هر حال دولت ایران نیز باید این دوراندیشی وزارت معارف ژاپون را منظور نظر خود بدارد و آرا برای خود خط حرکت قرار بدهد. درینخصوص ما احتیاجات و مقتضیات امروز ایران را در نظر گرفته آنچه را که صلاح میدانیم ذیلاً پیشنهاد میکنیم و یقین داریم

(۱) W. Ostwald, Große Männer.

این کتاب بفرانسه نیز ترجمه و در چاپخانه فلاماریون چاپ شده :

Les grands hommes trad. p. Dr. M. Dufour Paris 1912.

اگر این نکات رعایت بشود ازین اقدام و فداکاری دولت نتایج مطلوب حاصل خواهد شد :

۱ - باید این محصلین را از جوانان تحصیل کرده و تربیت شده انتخاب کرد یعنی از کسانی که یک تربیت متین ملی کسب کرده و از حیث معلومات و تحصیل نیز تا یکدرجه کامل شده باشند تا اینکه اولاً در فرنگ اخلاق خود را ضایع نکنند و ثانیاً در کمترین مدتی آنچه را که لازمست یاد بگیرند . بعقیده ما این جوانان را از میان محصلین بی بضاعت دارالفنون طهران انتخاب باید کرد و مقصود از بی بضاعت آنهایی هستند که خودشان قادر بتحمل مخارج سفر و تحصیل در فرنگ نیستند و الا اولاد صاحبان تمول و استطاعت خودشان میتوانند بخرج خود در فرنگ تحصیل بکنند . این ترتیب چندین فایده بزرگ دارد : اولاً این انحصار به محصلین بی بضاعت دارالفنون یک تشویق و امتیاز مخصوص میشود برای دارالفنون و اغلب جوانان میکوشند تا خود را جزو محصلین دارالفنون بسازند . ثانیاً انتخاب جوانان مهذب و کارکن و باهوش و جدی از میان محصلین دارالفنون بسیار آسان است و درینخصوص نقطه نظر وزارت معارف ژاپون بخوبی رعایت کرده میشود چونکه بر حسب سن و دوره تحصیل ، اخلاق این محصلین تکامل و قوام یافته و کمتر میشود که پس ازین دوره انحرافی در اخلاق پیدا گردد . این محصلین تا ایندوره خودشانرا از هر حیث معرفی کرده اند و انتخاب جدی ترین و مهذبترین آنان سخت نخواهد بود . ثالثاً این جوانان محتاج نیستند هشت سال مشغول تحصیل زبان و علوم در فرنگ بشوند بلکه برای اینها دو یا سه سال کافی خواهد بود تا تحصیلات خودشانرا تکمیل

و تجربه های لازم را کسب بکنند بدین ترتیب با مخارجیکه برای تحصیل بیست نفر شاگرد در هشت سال تخمین شده حکومت میتواند هشتاد نفر از محصلین دارالفنون را بفرستد که بجای هشت سال پس از دو سال همه برگردند. رابعاً چون اوضاع ایرانرا استقراری نیست و مخصوصاً بحران مالی این استقرار را همیشه تهدید میکند برای حکومت وقت بسیار سخت است که مخارج هشت ساله بیست نفر محصل را قبلاً یکی از بانکهای فرنگ بگذارد و مخارج محصلین را درینمدت تأمین بکند. چنانکه برای سی نفر شاگرد که در ۱۹۱۱ بفرانسه فرستادند چون رعایت شرایط فوق نشده بود چندان فایده نبخشید و نرسیدن منتظم وجه فکر محصلین جدی را هم پریشان کرده در ابتدای جنگ بسیاری مجبور بداخل شدن در قشون فرانسه و برخی هم مجبور بترک تحصیل شده بایران برگشتند. ولی اگر مدت تحصیل را دو سال قرار بدهیم حکومت وقت میتواند مخارج تحصیل دوساله ده یا بیست نفر را قبلاً یکی از بانکها بگذارد. و محصلین هم به اطمینان و دلگرمی تمام مشغول تحصیل بشوند. خامساً از محصلین دارالفنون که یک اخلاق متین ملی باید داشته باشند میتوان امیدوار شد که تربیت خودرا از دست نداده و فرنگی صرف بر نخواهند گشت. محبت ملت و وطن و آداب و رسوم و عقاید خود و از همه بالاتر زبان فارسی را فراموش نخواهند کرد، بر عکس، بچه های خوردسال که حالا بفرنگ میفرستند باید اقلایکسال زبان یاد بگیرند و پس از هفت هشت سال توقف در فرنگ با آداب و رسوم و عقاید ملی خود بیگانه مانده زبان مادری خودرا هم فراموش میکنند و بایک نظر نفرت و حقارت بوطن خود مینگرند.

چنانکه یکوقتی جریدهٔ مقصور ماز نصرالدین اینحال را بشرح ذیل بخوبی تصویر کرده بود: پیرمردی بچهٔ خود را به پطرسبورغ فرستاده تا تحصیل بکند. پس از چند سال تحمل مخارج زیاد و انتظار، پسر تکمیل تحصیل کرده بر میگردد اما همهٔ آداب و رسوم و حتی زبان مادری خود را هم فراموش کرده. پدر به امید دیدار جگریارهٔ خود به ایستگاه راه آهن رفته انتظار میکشد. پسر در لباس روسی و با کلاه روسی و پدر با لباس ایرانی. همینکه پسر از قطار پیاده میشود پدر نزدیک شده میخواهد او را باغوش بکشد و از سر و چشمش بیوسد. پسر پدر را بکنار کشیده بزبان روسی میگوید: آقا جان در میان مردم با من سلام علیک مکن اگر بفهمند که تو پدر من هستی من از خجلت آب میشوم». با کمال تأسف می بینیم که بعضی از بچه ها که بفرنگ میفرستند پس از چند سال همین حالا پیدا میکنند و وقتیکه بایک نفرت و استکراه بوطن خود بر میگرددند این وطن برای آنان زندان و ویران آمده با اخلاق و طبیعت آنان نمیسازد. اینها نه آن محیط را تغییر میتوانند بدهند و نه خود را تابع آن محیط میتوانند بسازند این است که یا گوشه نشین و گرسنه و بیکار میمانند و یا بد اخلاق و تریاکی و بیعار میشوند و یا لعنت و نفرین بر هرچه در وطن است خوانده بفرنگ بر میگرددند و کارگرا در محیط آزاد فرنگ که وطن حقیقی آنها شده است بزرگترین مأموریتهای مملکت خود ترجیح میدهند.

۲ - برای اینکه تحصیلات و تجربیات این جوانان که از میان محصلین بی بضاعت دارالفنون انتخاب و بفرنگ فرستاده میشوند بهتر نتیجه بدهد باید حکومت اعلان بکند که هر یک از این جوانان در

ختم توفیق خود در فرنگ کتاب مفیدی راجع برشته تحصیلات و عملیات خود تألیف و بوزارت معارف بدهد یک جایزه مخصوص خواهد گرفت و در مأموریت مقامی بالاتر خواهد داشت و حتی در چاپ کردن آن کتاب وزارت معارف یک ثلث و یا نصف مخارج چاپ را بعهده خواهد گرفت. این مسئله تشویق بزرگی برای محصلین شده و وظیفه یک تفتیش و کنترل اخلاقی را هم بعمل خواهد آورد.

۳ - در صورتیکه مدت تکمیل تحصیلات این جوانان دو سال خواهد شد از حیث مخارج نباید قناعت کرد و در تنگی گذاشت چونکه تحصیل فقط عبارت از شنیدن بیانات معامین و حفظ کردن کتابها نیست بلکه باید از اوضاع زندگانی و اجتماعی و ترقیات گوناگون مملکت نیز اطلاعات کافی حاصل بکنند و اینهم نمیشود مگر با اینکه داخل حیات اجتماعی مملکت بشوند و بوضع آنها کفایت این زندگانرا بکنند. امروزه در آلمان برای یک زندگانی متوسط سه تا چهار لیره انگلیسی کافی میآید با اینکه بعضی محصلین هم هستند که با دو لیره زندگی میکنند.

## ۲ - رشته تحصیل

پس از انتخاب محصلین تعیین رشته تحصیل اهمیت دارد. درینخصوص باید احتیاجات مملکت را در نظر گرفت و ما این احتیاجات را تقسیم به مادی و معنوی کرده میگوئیم: از نقطه احتیاجات مادی، مملکت ایران بیشتر ببنون زراعتی و تجارتی و مهندسی و معماری و حرفتهای دستی محتاج است.

بدیهی است که ترقیات جدید غرب ناچار به ایران داخل خواهد

شد و ایران میدان تکاپوی سرمایه داران و شرکتها و فابریکهای گوناگون داخلی و خارجی خواهد گشت و رو به ترقی خواهد گذاشت. اگر ایرانیان خود را حاضر به اداره کردن این امور و تأسیسات نکنند ناچار همه آنها در دست فرنگیها اداره شده ایرانی جز کارگری و مزدوری وسیله دیگر برای کسب معیشت پیدا نخواهد کرد چنانکه می بینیم کمپانی نفت ایران جز چند نفر منشی و مترجم ایرانی کس دیگر نمیتواند استخدام بکند و تمام مهندسين و استادان و معماران و مدیران را از خارجه باید بیاورد.

فن زراعت علاوه بر اینکه خاک وسیع ایران برای این فن بسیار کافی و مساعد است یک مزیت دیگر دارد که بیشتر از سایر صنایع و فنون ضامن حسن اخلاق یک ملت میتواند بشود و در میان طبقات زارع فساد اخلاق کمتر و دیرتر سرایت و نفوذ میرساند.

بدین جهات باید بفنون و صنایع عملی و اقتصادی بیشتر اهمیت داد و محصلین را بیشتر بتحصیل این رشته‌ها برگماشت.

اما از حیث احتیاجات معنوی و دماغی که تغذیه روح ملت بسته بدانست ما فن معلمی را در درجه اول می‌شماریم و بعد همه رشته‌های صنایع ظریفه (مستسظرفه) را مانند موسیقی و نقاشی و حجاری و تیاتر و ادبیات و شعر و غیره را ذکر میکنیم. این مقاله گنجایش شرح فواید و فضایل فن تربیت و تعلیم و صنایع ظریفه را ندارد و بدبختانه در ایران بدین فنون کمتر از هر چیز اهمیت میدهند در صورتیکه زندگی روح و قلب یک ملت بسته بتعمم و انتشار این فنون است در میسان افراد آن.



مبارها در صفحات این مجله فضیلت مقام معلمی و لزوم ترجیح تربیت و اخلاق را بر علم یاد آور شده ایم. درینجا همینقدر متذکر میشویم که این کابوس بدبختی و سفالت و حرص خون آشامی که سرزمین فرنگ را فرا گرفته نتیجه فساد اخلاق است و ما که امروز بدست خودمان و با هزاران جانفشانی و خود کشی می‌خواهیم تمدن فرنگ و ترقیات آنرا داخل مملکت خودمان بکنیم روزی خواهد آمد که آفتهای همین تمدن و اثرات همین فساد اخلاق، همین منازعه سرمایه دار و کارگر و همین کشمکش طبقات متضاد و رقیب و همین حرصها و طمعهای سیر نشونده در شکل عناصر تمدن و آثار ترقی روح ملی ما را زبون و زخمی خواهند کرد. و فقط فنون تربیت و تعلیم صحیح و صنایع ظریفه میتواند روح ملی ما را برای مقاومت این قوای جابره حاضر بکند و فقط این فنون میتوانند یک استقبال روشنی برای ما تأمین و یک اخلاق متینی در ما تولید بکنند. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بی مبالائی دولت و ملت ایران در مقابل تعلیم و تربیت و معاین فاضل بقدری تأسف انگیز و مقام معلم در کشور ایران طوری محقر و پست است که هیچ ایرانی نمیخواهد پی تحصیل این فن برود. همینطور صنایع ظریفه باندازه ای درین مملکت بیفدر و مبتذلست که ارباب ذوق و طالبان آن از اظهار تمایلات خود خجلت میکشند و هنوز از چماق تکفیر ملاحای بیمغز و نادان باید بترسند.

بعقیده ما هیئت دولت باید اقلأ نصف محصلین خود را که بفرنگ میفرستد از جوانانی قرار بدهد که در تحصیل فن معلمی و صنایع ظریفه استعداد و ذوق وافر دارند. بدین هم اکتفا نکرده اولاً وسایل قدر دانی

و تشویق و استراحت معامین فاضل و با اخلاق داخله را فراهم بسازد و ثانیاً از خارج و بخصوص از پروفیسورهای پارسی هند که روح ملی ایرانی در آنان تاکنون زنده و پایدار مانده و علاوه بر مقام علمی آنان که کمتر از مقام معامین فرنگ نیست، یک محبت فوق العاده بوطن قدیمی خود دارند برای اداره کردن معارف ایران دعوت بنماید. مایقین داریم این پروفیسورهای پارسی بایک شوق قلبی مانند سرغی که رو باشیانه مألوف خود بر میگردد این دعوت را قبول و بسیاری از آنان بی آنکه بارسنگینی به بودجه معارف ایران بشود افتخاراً باکمال میل دعوت حکومت را اجابت خواهند کرد.

### ۳ -- محلّ و چگونگی تحصیل

انتخاب محلّ تحصیل نیز بی اهمیت نیست. اغلب مردم درینخصوص روابط سیاسی و تجارّتی و اقتصادی را در نظر میگیرند و میگویند ما از وجهه سیاست و تجارّت مربوط به انگلیس و روس هستیم و بدانجهت زبان آنها هم بیشتر برای ما لازم است و یا اینکه چون مخارج در آلمان کمتر از جاهای دیگر است باید محصلین را بدانجا فرستاد و یا اینکه زبان فرانسه در ایران بیشتر رواج دارد و اغلب شاگردان آن زبانرا یاد گرفته‌اند و محتاج تلف کردن وقت در سربکزبان دیگر نباید بشوند پس شاگردان را به سویس و فرانسه باید فرستاد.

ما مسئله را از یک نقطه نظر دیگر تدقیق میکنیم :

به استثنای بعضی فنون که تدریس و تحصیل آنها در بعضی از ممالک فرنگ کاملتر و بهتر است اگر بخواهیم بطور عمومی یک اساس اتّخاذ

بکنیم باید به بینیم اصول تعلیم و تربیت کدام یک از ممالک موافقت کامل با طبیعت و احوال روحی و احتیاجات اجتماعی ما ایرانیان دارد. ما ایرانیان از حیث اخلاق و طبیعت و استعداد و تمایلات روحی بیشتر شباهت و موافقت با فرانسه‌ها یعنی نژاد لاتینی داریم (به استثنای اهالی آذربایجان که طبیعت و اخلاق آنان بیشتر با طبیعت و اخلاق نژاد آنگلو ساکسون میسازد) چنانکه حدت ذهن، ذکاوت، خودپرستی، جوّالی فکر، ظرافت و لطافت حسّ، حسن امزاج و آهیزش یا خوش مشربی از یکطرف و بی ثباتی و تلون مزاج، زود خسته شدن و بی متانتی و لا ابالیگری و بیقیدی و افراط و تفریط درکارها از طرف دیگر از خصایص طبیعت و اخلاق ما و فرانسه‌هاست.

این اخلاق و طبیعت نمی تواند ملت ایران را بشاهراه نیکبختی و نجات برساند. برای حفظ استقلال سیاسی و تولید یک انقلاب حقیقی روحی و اجتماعی باید این اخلاق و طبیعت را اصلاح کرد. احتیاج معنوی و اصلاح اخلاقی ایران مقتضی است که ما جوانانی تربیت بکنیم که بر خلاف طبیعت سست امروزی استقلال شخصی، تحمل مشقتها، متانت و استقامت و فعالیت و شهامت را در نفس خودشان تکمیل کرده باشند و این طبیعت و اخلاق در ملتهای آنگلو ساکسون که انگلیسها و آلمانها هستند بیشتر وجود و نفوذ دارد تا در ملت فرانسه. اصول تعلیم و تربیت نیز درین ممالک طوری است که بدین مسئله خدمت میکند.

اساس تعلیم و تربیت در مملکت فرانسه مبنی بر تمرکز و تضییق یعنی بر زیادی موادّ تدریس و سنگینی و رنگینی پروگرامها و وفور و ظایف دماغیّه است. این اصول، مردان متبحر و مدقق و صاحب

اطلاعات و اسع و از باب اختراع پرورش میدهد ولی قوای بدنی و دماغی استقلال شخصی و متانت اخلاقی و فعالیت و تشبث شخصی را چندان پرورش نمیدهد و بدین جهت است که درین اواخر بسیاری از متفکرین فرانسه بنحیال اصلاح این اصول افتاده و پیشنهادهای حکومت کرده و کتابها در آداب نوشته اند. در صورتیکه در مملکت انگلیس و آلمان باوجود تبجر و اختصاص در هر یک از رشته های فنون و علوم بتکمیل قوای بدنی و معنوی محصلین بیشتر اهمیت میدهند بطوریکه محصلین این مملکتها کمتر از محصلین فرانسه دماغ خود را محفظه معلومات و اطلاعات میسازند ولی درین ضمن حسن فعالیت و تشبث شخصی و قوای بدنی خود را بوسیله ورزشهای کافی بدرجه کمال میرسانند بعبارت دیگر اصول فرانسه مردان با اطلاع و عالم و حواس و اصول انگلو ساکسون رجال باعزم و متانت و حاضر بمبارزه حیات و تحمل سختیها پرورش میدهد و برای مملکت ایران این قبیل رجال بیشتر لازمست.

فقط ازین نقطه نظر است که مامیگوئیم جوانان ایرانی را بمملکت انگلیس و یا آلمان باید فرستاد و گرنه از حیث تکمیل علوم و فنون و بعضی خصوصیات دیگر مملکت فرانسه فرقی با آلمان و انگلستان نداشته بلکه از چند جهات نیز بر آنها برتری دارد.

### خوشبخت کیست و خوشبختی چیست

هر کس درین عالم پی خوشبختی میگردد، شب و روز میکوشد و جان خود را بخطرهای اندازد برای اینکه روزی خوشبخت بشود ولی اگر ازوی پیرسیم که خوشبختی چیست بسختی میتواند یک جواب